

قرن پنجم و ششم عصر غزنویان و سلجوقیان و خوارزمشاهیان

آمیزش زبان فارسی با زبان عربی

زبان پارسی که در قرن چهارم از آمیزش با زبان عربی تا حدی مصون مانده و لغات تازی در آن اندک بود از قرن پنجم بعد نسبت بیشتری با لغات عربی درآمیخت. پیداست که این آمیزش یکباره با شروع قرن پنجم بکمال نرسید بلکه تدریجاً صورت گرفت و این سیر تدریجی چنان بود که کثرت کلمات عربی در پایان قرن پنجم خیلی بیشتر از آغاز آن و در آخر قرن ششم زیادتر از اول آن بوده است. از علل عمده این امر یکی تزاید نفوذ دین اسلام در این دو قرن و زبان ملازم آن یعنی زبان عربی بود. دیگر آنکه در این دو قرن تعلیم و تعلم زبان عربی با شدتی بیشتر از پیش در ایران رواج داشت و چون توسعه و افزایش مدارس در قرن پنجم و ششم با قوت بسیار صورت گرفته و از مواد اصلی و اساسی دروس در این مدارس زبان و ادب عربی بود، طبعاً همه اهل سواد و کسانی که در پی تحصیل علم و ادب بودند از زبان و ادب عرب آگاهی می‌یافتند و از اینجاست که در قرن پنجم و ششم کمتر کسی از شاعران و نویسندگان را می‌یابیم که اثری از ادب عربی در گفتار او نباشد.

علاوه بر این در طی قرنهای دوم و سوم و چهارم همه علوم اسلامی تدوین شده و اصطلاحات علمی فراوان در زبان عربی گرد آمده و بر اثر ترجمه بسیاری کتب از منابع یونانی و پهلوی و سریانی و هندی، ادب عربی غنی و ثروتمند و دارای نفوذ بسیار گردیده بود. دین اسلام و رواج قرآن کریم و احادیث نیز مایه تشدید نفوذ لغات عربی و ورود بسیاری از آنها در زبان فارسی شده بود. باین جهات هر چه از آغاز تسلط تا زبان بر ایران بعهد معاصر نزدیکتر شویم کلمات تازی را بنسبت بیشتری در زبان فارسی می‌یابیم.

در قرن پنجم و ششم این عوامل چون دست بهم دادند باعث شدند که زبان فارسی با سرعت بیشتری با لغات تازی آمیخته شود چنانکه در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم که پایان این دوره است در زبان نظم و نثر فارسی بسیاری از کلمات غیر لازم عربی وارد شده بود.

از طرفی دیگر چون قرن پنجم و ششم دوره برچیده شدن حکومت‌های ایرانی و روی کار آمدن غلامان و قبایل ترک نژاد بود قسمتی از لغات ترکی نیز بوسیله سپاهیان و عمال دولتی در زبان فارسی راه جست ولی نسبت این لغات بواژه‌های تازی بسیار ناچیز و غیر قابل ملاحظه بود.

رواج زبان ادبی در نواحی مرکزی و جنوبی و غربی

چنانکه میدانیم تا اواخر قرن چهارم ادبیات دری تنها بنواحی شرقی ایران یعنی سیستان و خراسان و ماوراءالنهر اختصاص داشت زیرا لهجه‌یی که نخستین آثار ادبی ایران دوره اسلامی با آن وجود آمد متعلق بهمین نواحی بود اما از اوایل قرن پنجم بعلی ادبیات دری بنواحی مرکزی و اندک اندک بشمال و مغرب و جنوب نیز راه یافت و شاعران و نویسندگان بجای لهجه مله‌یی خود لهجه ادبی دری را بتقلید از شاعران خراسان و ماوراءالنهر برای شعر و نثر پذیرفتند و در دربارها مرسوم کردند و اگر چه در همان حال هم شاعرانی مانند بندار رازی بزبان اهل ری و علی پیروزه و مسته مرد ملقب به دیواروز که هر دو معاصر عضدالدوله دیلمی بودند بلهجه طبرستانی و بابا طاهر عریان همدانی بلهجه محلی خود شعر می‌ساختند لیکن لهجه ادبی دربارها و کتب اصلی ادبی تنها لهجه اهل مشرق بود و شاعران و نویسندگان برای آنکه خوب از عهده بیان مقاصد خود در پارسی دری برآیند از دیوانهای شعرائی مانند رودکی و منجیک و دقیقی و فردوسی و نظایر آنان استفاده میبردند و یا خواندن آثار آنانرا بمبتدیان توصیه میکردند. ناصر خسرو در سفرنامه خود گوید: «...و در تبریز قطران نام شاعری را دیدم، شعری نیک می‌گفت اما زبان فارسی نیکو نمیدانست پیش من آمد دیوان منجیک و دیوان دقیقی بیاورد و پیش من بخواند و هر معنی که او را مشکل بود از من بپرسید، باو گفتم و شرح آن بنوشت و اشعار خود بر من خواند...»

راوندی در کتاب راحة الصدور از قول احمد بن منوچهر شصت کله آورده است که «... سید اشرف بهمدان رسید در مکتبها می‌گردید و می‌دید تا کرا طبع شعرست، مصراعی بمن داد تا بر آن وزن دو سه بیت گفتم، بسمع رضا اصغا فرمود و مرا بدان بستود و حث و تحریض واجب داشت و گفت از اشعار متأخران چون عمادی و انوری و سید اشرف و بلفرج رونی ... و حکم شاهنامه آنچ طبع تو بدان میل کند قدر دویست بیت از هر جا اختیار کن و یادگیر و برخواندن شاهنامه مواظبت نمای تا شعر بغایت رسد...»

این اشارات و نظایر آنها می‌رساند که با رواج شعر دری در نواحی جدیدی غیر از مشرق ایران آموختن لهجه دری و نکات آن و علی‌الخصوص مشکلات لغات آن لهجه از مسائل عادی نوآموزان بود و بهمین سبب است که اسدی طوسی که قسمت بزرگی از زندگی خود را در حدود اران و آذربایجان گذرانیده بود چون عدم اطلاع شاعران آن نواحی را از مشکلات لغات دری ملاحظه کرد بتألیف کتاب لغت فرس همت گماشت و در آغاز آن نوشت «... و غرض ما اندرین لغات پارسی است که دیدم شاعرانرا که فاضل بودند ولیکن لغات پارسی کم میدانستند...» و در اینجا هم مانند قول ناصر خسرو مراد از زبان پارسی لهجه دری یا پارسی دری است.

انتشار زبان فارسی در خارج از ایران

موضوعی که در تاریخ زبان فارسی قرن پنجم و ششم قابل ملاحظه و مطالعه است انتشار زبان فارس است در خارج ایران. در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم دو تن از پادشاهان فاتح ایران یعنی ناصرالدین سبکتکین و پسر او یمین الدوله محمود شروع به پیشرفت‌ها و فتوحاتی در جانب ولایت سند کردند و در عهد این دو پادشاه و جانشینان آنان بتدریج ناحیه پهناوری از هندوستان تحت اطاعت سلاطین غزنوی درآمد. می‌دانم که نزدیک تمام عمال و حکام و سربازان غزنوی خواه آنانکه در جانب ایران بودند و خواه آنانکه در جانب ایران بودند و خواه آنانکه در طرف هندوستان، ایرانی نژاد و متکلم بلهجات ایرانی و معتاد به ادبیات دری بودند و بهمین سبب توقف آنان در هندوستان و حکمروایی بر آن سامان باعث نشر پارسی دری در اراضی متصرفی غزنوی گردید خاصه که زبان رسمی دربار غزنوی پارسی دری بوده است.

پس از تسلط سلاجقه بر ایران چنانکه می‌دانیم دسته‌یی از آنان با تصرف آسیای صغیر دولتی را که بنام دولتی را که بنام دولت سلاجقه آسیای صغیر معروف است در آن سامان بوجود آوردند. در دربار امرای این سلسله مانند همه دربارهای سلجوقی زبان فارسی بود و بهمین سبب در این ناحیه حتی در شام بتدریج زبان فارسی دری رواج یافت و اندک اندک کار بجایی کشید که در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم آسیای صغیر یکی از مراکز ادبیات فارسی گردید.

در نتیجه این دو جریان یعنی نفوذ ادبیات دری از خراسان بسایر ولایات ایران و رواج زبان پارسی در خارج از کشور ایران از اواسط قرن پنجم بعد بسیاری شاعر و نویسندگان بیرون از ناحیه خراسان و ماوراءالنهر پدید آمدند و این امر چنانکه خواهیم دید باعث تنوع عظیمی در ادب فارسی گردید.

بعد از مطالعه مختصری که در باب زبان فارسی در قرن پنجم و ششم کردیم اینک به بیان وضع نثر و نظم در این دوره مبادرت می‌کنیم:

نثر فارسی در قرن پنجم و ششم

قرن پنجم و ششم از حیث نثر فارسی یکی از ادوار بسیار مهم ادبی است. در این دو قرن نه تنها نثر فارسی دنباله ترقیات قرن چهارم را طی کرد بلکه به مراتب بیش از شعر ترقی و تحول یافت و انواع آثار مختلف در آن بوجود آمد چنانکه از حیث تنوع و تعدد آثار منثور می‌توان هیچیک از ادوار ادبی را با این دو قرن مقایسه کرد.

نثر فارسی در این دو قرن دو سبک کاملاً متمایز از یکدیگر داشت: اول سبک ساده که دنباله نثر ساده قرن چهارم بوده است و دوم سبک مصنوع که بعد از این راجع به آن سخن خواهیم گفت.

نثر ساده در قرن پنجم و ششم:

مراد از نثر ساده یا نثر مرسل نثری است که خالی از صنایع و قیود لفظی و آزاد از هرگونه تصنع و تکلفی باشد. نثری که به این سبک نوشته شده باشد کاملترین و سودمندترین نوع آنست زیرا مقصود را بنحو اتم بیان و از فوت معنی پیش گیری می کند. این سبک نثر همچنانکه گفتیم در قرن چهارم در ادب فارسی معمول بود و مانند سبک شعر فارسی در تمام قرن پنجم و قسمتی از قرن ششم ادامه و تکامل یافت و اختلافی که در آن بتدریج وجود می یافت نه از باب اصول و بنیاد و سبک و روش و نگارش بلکه از جهت تغییرات و تحولاتی بود که بتدریج در زبان فارسی صورت می گرفت و ما راجع به آن پیش از این سخن گفته ایم. برای آنکه از کتابهای معروفی که در این دو قرن به نثر ساده و مرسل نگارش یافته و نیز از نویسندگان آنها مختصر اطلاعی داشته باشیم خوبست بعضی از آنها را فهرست وار ذکر کنیم:

در اوایل قرن پنجم یک کتاب معتبر در هندسه و حساب و نجوم و هیئت باسم التفهیم لاوائل صناعة التنجیم داریم که نویسنده آن ابوریحان محمد بن احمد البیرونی الخوارزمی به سال ۴۲۰ آنرا به فارسی نگاشت. انشاء این کتاب بسیار ساده و زیباست و التفهیم مخصوصاً از باب اصطلاحات فارسی نجومی و ریاضی ارزش بسیار دارد.

دانشمند معاصر ابوریحان یعنی ابو علی حسین بن عبدالله بن سینا (۳۷۰-۴۲۸) نیز در اوایل قرن پنجم چند اثر مشهور خود را در مسائل فلسفی و طبی به زبان فارسی به رشته تحریر کشید. مهمترین آنها کتاب معروف دانشنامه علائی یا حکمت علائی است در منطق و فلسفه. ابو علی بن سینا بسیار کوشیده است اصطلاحات فلسفی را که تا آغاز قرن پنجم به زبان عربی مدون شده بود به فارسی بیاورد و از این بابت کتاب او تازگی دارد. علاوه بر این از ابن سینا رسالات دیگری مانند رساله معراجیه و رساله نبوت و رساله نبضیه و جز آنها باقی مانده است.

دیگر از نویسندگان مشهور اوایل قرن پنجم ابوالفضل بیهقی (۳۸۵-۴۷۰ هجری) از مشاهیر دبیران سلطان محمود و پسران اوست. اثر مشهور او کتاب مقامات محمودی و مسعودی مشهور بتاریخ بیهقی است که اصلاً درسی جزء حاوی وقایع عهد ناصرالدین سبکتکین و یمین الدوله محمود و پسرانش محمد و مسعود و متضمن اطلاعات مفیدی راجع بظهور سلاجقه و کیفیت غلبه آنان بر خراسان و عراق بود لیکن اکنون تنها قسمتی از آن شامل وقایع بعد از فوت محمود (۴۲۱ هجری) تا وقایع آخر عهد

محمود و غلبه سلاجقه و شکست محمود و تباهی کار او در دست است. این کتاب از باب انشاء فصیح و ساده و زیبای آن قابل ملاحظه است بحدی که می‌توان روش بیهقی را در انشاء از جمله بهترین روشهای نثر فارسی دانست.

از نویسندگان بزرگ اواخر قرن پنجم خواجه نظام الملک ابو علی حسن بن علی طوسی وزیر الب ارسلان و ملکشاه سلجوقی مقتول در سال ۴۸۵ هجریست. این وزیر در اواخر حیات به خواهش ملکشاه تجارب ممتد و نظرهای صائب خود را در تدبیر امور مملکت و رعیت و سیاست در کتابی گردآورد و آنرا سیر الملوک یا سیاستنامه نامید. اهمیت سیاستنامه در انشاء شیوا و ساده و بسیار روان آنست. انشاء نظام الملک بدرجه‌یی از قید ابهام و تصنع آزاد است که هنوز کهنه نشده و همواره تازه و قابل استفاده و نزدیک به ذهن و ذوق هر خواننده فارسی زبانست.

یکی از کتابهای قابل توجه و مهم قرن پنجم قابوسنامه است مؤلف این کتاب عنصرالمعالی کیکاوس نواده شمس المعالی قابوس از خاندان دیلمه زیاری است که قابوسنامه را در نصیحت پسرش گیلانشاه و آموختن راه و رسم زندگانی و اینکه در هر کاری چه حوائج و در بایستهایی در میانست، نوشت. تألیف کتاب از سال ۴۷۵ هجری شروع شده و شامل مسائل مختلف اجتماعی و اخلاقی و رسوم و آداب و فنون و علوم و پاره‌ای اطلاعات تاریخی است. سبک این کتاب بسیار خوب و ساده و در عین حال قدیم و کلمات کهنه پارس در آن فراوانست. اهمیت قابوسنامه خصوصاً از آن جهت است که اطلاعات ذیقیمت کثیری راجع بابواب مختلف تمدن و فرهنگ ایران قرن پنجم در آن گرد آمده و ما بسیاری از این اطلاعات نفیس را از سایر مأخذ نمی‌توانیم بدست آوریم. یکی از مشاهیر نویسندگان ایران در قرن پنجم ناصر بن خسرو قبادیانی (۳۹۴-۴۸۱) است. از این شاعر و نویسنده نامبردار چند اثر معروف به نثر فارسی در دست است مانند سفرنامه و زادالمسافرین و وجه دین و خوان اخوان و جامع الحکمتین که در همه آنها نویسنده روشی ساده و انشائی روان دارد و حتی در کتاب زادالمسافرین با آنکه در کلام اسمعیلیه نوشته شده سادگی و روانی انشاء را حفظ کرده است.

دیگر از نویسندگان مشهور قرن پنجم که نثری بسیار شیوا و زیبا دارد علی بن عثمان جلایی هجویری غزنوی (متوفی به سال ۴۶۵) است کتاب کشف المحجوب او قدیمیترین کتاب فارسی در شرح اصول تصوف است.

از اوایل قرن پنجم کتاب بسیار سودمندی بنام تاریخ سیستان در دست داریم که قسمتی از آن در آغاز قرن پنجم نوشته شده و باقی را در قرون بعد بر آن افزوده‌اند. قسمت اول تاریخ سیستان علی الخصوص آن بخش که تا زوال دولت صفاریان را شامل است هم از باب مطالب تاریخی و هم از جهت سبک کهنه و فصیح انشاء ارزش و اعتبار فراوان دارد.

کتاب دیگری از اوایل قرن ششم داریم بنام مجمل التواریخ و القصص که نویسنده آن معلوم نیست لیکن چون مؤلف آن از مأخذ معتبر قدیم در تألیف کتاب خود استفاده کرده اثر او بسیار مهم و قابل توجه است روش نویسنده کتاب هم بهمین نسبت کهنه و حتی خیلی کهنه‌تر از منشآت اواخر قرن پنجم و در غالب موارد حاوی کلمات و روایات پهلویست.

در آغاز قرن ششم دانشمند مشهوری به نام حجة الاسلام محمد بن محمد غزالی طوسی (متوفی به سال ۵۰۵) چند کتاب و چند نامه به فارسی از خود بر جای گذاشت. از کتب فارسی او نصیحة الملوک و کیمیای سعادت هر دو انشائی فصیح و ساده و روشن دارد.

نویسنده مشهور دیگر قرن ششم به نام محمد بن منوره نواده ابوسعید ابوالخیر کتابی در بیان احوال و عقاید و کلمات جد خود به نام «اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید» دارد. روش ساده و نثر شیوای این کتاب به واقع در زبان فارسی کم نظیر و شایسته ملاحظه و توجه است. سادگی سخن که با استواری کلام و صحت ترکیب و صراحت معانی آمیخته، این کتاب را بر بسیاری از کتب دیگر فارسی رجحان داده است.

از صوفی و شاعر و نویسنده بزرگ آخر قرن ششم فریدالدین محمد عطار که نام او را در شمار شاعران می‌آوریم کتاب معتبری به نام تذکره‌الاولیا حاوی شرح احوال و اقوال صوفیان به روشی بسیار ساده و شامل تمام اختصاصات نثر مرسل در درست است و علاوه بر این چند کتاب و رساله دیگر به نثر فارسی از عرفای قرن ششم بر جای مانده که همه بر شیوه ساده نویسان انشاء شده است.

نثر مصنوع در قرن ششم:

سبک دیگری که از اواخر قرن پنجم و قرن ششم در نثر فارسی ظهور کرد به سبک مصنوع یا سبک فنی مشهور است. مراد از نثر مصنوع یا نثر فنی نثری است که آمیخته با صنایع لفظی مانند سجع و جناس و امثال آنها باشد. در این سبک نویسنده بیشتر بظاهر الفاظ توجه دارد و مهمترین عنصر آن سجع است. سجع به کلماتی گویند که در پایان دو یا چند جمله متعاقب بکار رود و از حیث وزن و گاه از حیث وزن یا حروف اواخر خود تقریباً یکسان باشد مانند وعید و تهدید در این عبارت: «مضمون او همه وعید و مقرون او همه تهدید» و واقعه و داهیه و قاصی و عاصی در این عبارت: «چنانکه در چنین واقعه‌یی و در چنین داهیه‌یی خداوند ضجر قاصی به بندگان عاصی نویسد.»

نثر مسجع در ادبیات فارسی در نتیجه تأثیر ادبیات عرب پیدا شد و شیوع و تجدید آن در نثر عربی از قرن چهارم است و چون همه نویسندگان و ادبای فارسی زبان با ادب عربی آشنایی داشتند و آثار نویسندگان و مترسلان بزرگ عرب را سرمشق خود در نویسندگی و بیان نکات و مضامین مختلف قرار می‌دادند طبعاً تحت تأثیر سبک مصنوع آنها قرار گرفتند و همان سبک را در نثر زبان خود هم بکار بردند و اگر چه بعضی از نویسندگان فارسی زبان مانند عنصرالمعالی صاحب قابوسنامه با وارد کردن سجع در نثر مخالف بودند و زبان فارسی را با آن ناسازگار می‌دانستند با این حال همچنانکه گفته‌ایم از اواخر قرن پنجم و علی‌الخصوص از اواسط قرن ششم به بعد این سبک در نثر فارسی معمول شد و مدتها متداول بود.

نخستین کسی که در آثار او سجع دیده شد خواجه عبدالله انصاری (متوفی به سال ۴۸۱) است. وی در رسالات خود مانند «مناجات نامه» و «کنز السالکین» و «هفت حصار» سجعهایی ساده آورد لیکن ایراد سجع در آثار این نویسنده چون با سادگی همراهست آسیب بسیار به انشاء او وارد نیاورد. با تمام این احوال اگر او سخنان خود را بدون رعایت سجع می‌نوشت شاید بهتر از عهده ایراد معانی بر می‌آمد.

دوره واقعی صنایع لفظی در نثر از اواسط قرن ششم شروع شد. در این دوره بکاربردن صنایع مختلف و تکلفات صوری و سجعهای مکرر و آوردن جمله‌های مترادف و استعمال لغات وافر عربی و شواهد از شعر عرب و احادیث و امثال و آیات و ترکیبات و مصطلحات علمی معمول شد.

اولین کتابی که توجه به صنایع در آن بسیار است. ترجمه کلیله و دمنه است که در حدود سال ۵۳۹ هجری پرداخته شد. مترجم این کتاب ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید غزنوی است که تا اواخر قرن ششم در قید حیات بود. در این کتاب مترادفات و کلمات عربی و تمثیل به اشعار و امثال عرب زیاد است ولی سجعهای آن کامل نیست.

بعد از ابوالمعالی، نظامی عروضی سمرقندی در کتاب چهار مقاله بیشتر سجع به کار برده است. چهار مقاله در حدود سال ۵۵۱ و ۵۵۲ تألیف شده و کتابی است شامل چهار قسمت که هر قسمت را نویسنده آن برای یک دسته از ندما سلاطین نوشته است یعنی راجع به شاعران، نویسندگان، پزشکان، منجمان. در این کتاب مقدمه هر یک از صناعات با انشاء کاملاً مصنوع و باقی با استفاده از هر دو روش نثر نگارش یافته و نویسنده در هر دو فن نثر و علی‌الخصوص در بیان اوصاف داد استادی و مهارت داده است.

مهمترین کتابی که در قرن ششم پیش از چهار مقاله با توجه به صنایع لفظی نوشته شده کتاب مقامات حمیدی است. صاحب این کتاب قاضی حمیدالدین عمر بن محمود بلخی (متوفی به سال ۵۵۹) است و او این کتاب را به تقلید از مقامات بدیعی و مقامات حریری نگاشته و مانند آنها در آن انواع صنایع را بکار برده است.

یکی دیگر از نویسندگان قرن ششم منتجب الدین بدیع علی بن احمد کاتب جوینی منشی سلطان سنجر سلجوقیست که از نویسندگان مشهور و صاحب مجموعه‌یی از منشآت است به نام عتبه‌ الکتبه. در این منشآت که مراسلات دیوانی است بنابر رسم نویسندگان درباری آن روزگار بعضی از صنایع لفظی دیده می‌شود.

دیگر از نویسندگان قرن ششم بهاءالدین محمد بن مؤید البغدادی منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه (۵۶۸-۵۹۶) است که از مجموعه‌یی از منشآت بنام «التوسل الی الترسل» در دست است. نثر بهاءالدین محمد دارای لغات فراوان عربی و صنایع لفظی است و در نوع خود ممتاز است.

دیگر حمید الدین ابو حامد احمد بن حامد کرمانی ملقب به افضل کرمان است که از او سه کتاب در دست است به نام «عقدالعلی للموقف الاعلی» و «بدایع الازمان فی وقایع کرمان» و «المضاف الی بدایع الازمان». این سه کتاب در تاریخ سلاجقه کرمان و آشفتگی اوضاع آن ولایت بعد از حمله غزان بر آن تا اواخر قرن ششم و آغاز قرن هفتم است و انشاء هر سه کتاب مصنوع و متکلف است.

کتاب دیگری با نثر مصنوع در اواخر قرن ششم تألیف شده است به نام «راحة الصدور». نویسنده این کتاب نجم الدین ابوبکر محمد بن علی راوندی است که کتاب خود را در سال ۵۹۹ تألیف کرد و خود مدتی بعد از تألیف این کتاب زنده بود و بعد از حمله مغول در دربار سلاجقه آسیای صغیر به سر می‌برد. اهمیت راحة‌الصدور تنها از لحاظ حفظ اطلاعات وافر راجع به سلاجقه مخصوص سلاجقه عراق نیست بلکه از این باب که با نثر شیوا و زیبایی که در موارد لزوم از صنایع لفظی نیز بر کنار نمی‌باشد نگاشته شده، بسیار مهم و مورد استفاده است. در برخی از موارد این کتاب مضامین شعری در لباس نثر درآمده است و این در مواقعی است که نویسنده می‌خواست از ممدوح خویش سخن گوید. راوندی کتاب خود را بعد از فرار به آسیای صغیر از جلو حمله مغول، و در آمدن در خدمت کیخسرو بن قلج ارسلان پادشاه سلجوقی آن سامان که از ۶۱۶ تا ۶۳۴ حکومت داشت به نام او در آورد.

از کتب بسیار مهم آخر قرن ششم و آغاز قرن هفتم که چند سال پیش از حمله مغول نگاشته شد کتاب ترجمه تاریخ یمنی است. این کتاب را ابوالشرف ناصح بن ظفر منشی جرفاذقانی «گلپایگانی» در سال ۶۰۳ از عربی به فارسی درآورد. متن عربی تاریخ یمنی از عتبی نویسنده بزرگ معاصر سلطان محمود غزنوی است. عتبی این کتاب را در شرح حکومت سبکتکین و محمود و به مناسبت راجع به قسمتی از حوادث آخر عهد سامانی نوشته و متن عربی آن از نمونه‌های زیبای ادب عربی است. ترجمه فارسی کتاب هم دارای همان ارزش و مقدار می‌باشد یعنی اگر چه به نثر مصنوع نگارش یافته لیکن با نهایت مهارت و استادی پرداخته شده است.

از اواخر قرن ششم کتاب نفیسی داریم به نام «روضه العقول» این کتاب را محمد بن غازی الملطیوی دبیر و وزیر سلیمان‌شاه بن قلع ارسلان (۵۹۷-۶۰۰) از سلاجقه آسیای صغیر از کتابی که اسپهبد مرزبان بن رستم بن شروین از شاهزادگان مازندران به زبان طبری در اواخر قرن چهارم هجری نگاشته بود به زبان فارسی ترجمه کرد (۵۹۸ هجری). این ترجمه نثری مصنوع ولی فصیح و زیبا دارد.

ترجمه دیگر از همان کتاب چند سال بعد در حدود سالهای ۶۰۷-۶۲۲، بدست سعدالدین وراوینی معاصر اتابک ازبک بن محمد بن ایلدگز از اتابکان آذربایجان شده و به «مرزبان نامه» موسوم گردیده است. ترجمه وراوینی از بدایع آثار فارسی و یکی از شاهکارهای نثر ماست. این کتاب با روش مصنوع و با سجع و صنایع دیگر لفظی و استفاده از اصطلاحات علمی و اشعار و اخبار و امثال فارسی و عربی نگاشته شده و اهمیت آن خصوصاً در آنست که افکار شاعرانه چنان در نثر راه یافته است که بدان اثر تازه‌یی از زیبایی و لطف بخشیده و آنرا در نوع خود بی‌نظیر ساخته است.

کتاب دیگری از پیش از حمله مغول داریم به نام «تاریخ طبرستان» که مؤلف آن بهاءالدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب آنرا در سال ۶۱۳ به پایان برده است. نویسنده این کتاب در برخی از موارد دارای روش مصنوع است و در موارد دیگر نثری ساده و فصیح دارد و تنها تصنع او استشهاد به پاره‌ای از اشعار عرب و آوردن سجع‌هایی در بعض موارد است.

کتب علمی

قرن ششم را از یک لحاظ دیگر هم باید برای نثر فارسی دوره بارور و پرحاصلی دانست و آن تألیف بسیاری کتب علمی است به فارسی. در این قرن در انواع علوم مانند ریاضیات و طب و طبیعیات و نجوم و ملل و نحل و لغت و علوم ادبی کتبی به زبان

فارسی تألیف شده است. از جمله این کتب یکی مقدمه‌الادب در لغت عربی به فارسی است که ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری از اجله متکلمین معتزله (متوفی به سال ۵۳۸) آنرا تألیف کرد.

دیگر کتاب ذخیره خوارزمشاهی در طب و دارو شناسی تألیف زین الدین ابو ابراهیم اسمعیل بن حسن جرجانی معاصر ابوالفتح قطب الدین محمد خوارزمشاه (۴۹۰-۵۲۱) است. سید اسمعیل در سال ۵۳۱ در گذشته و دارای چند کتاب در طب است. کتاب ذخیره او یکی از کتب مهم طب و اهمیت آن خصوصاً در آنست که اولین و مهمترین کتاب جامعی است که به زبان فارسی در طب و داروشناسی نگاشته شده و نثر آن ساده و فصیح و روشن و حاوی بسیاری از لغات و اصطلاحات فارسی در باب امراض و ادویه است.

دیگر از آثار معروف علمی به زبان فارسی کتاب جوامع العلوم و کتاب حدایق الانوار فی حقایق الاسرار از امام ابو عبدالله فخر الدین محمد رازی متکلم بزرگ قرن ششم و آغاز قرن هفتم است که به سال ۶۰۶ در گذشت.

شعر فارسی در قرن پنجم و ششم

شعر فارسی در قرن پنجم و ششم از ثمرات ترقی ادب فارسی در قرن چهارم برخوردار بود.

در آغاز قرن پنجم دربار یحیی بن زین العابدین و امین الملئ محمود ابن سبکتکین (متوفی به سال ۴۲۱) و شهاب الدوله مسعود بن محمود (م: ۴۳۲) و بر اثر ثروت فراوانی که از غزوات هند نصیب دولت آل سبکتکین شده بود، از مأمنهای بزرگ شاعران گردید و با وجود شاعران استاد و بزرگی مانند عنصری و فرخی و زینتی و عسجدی و مسعودی رازی مرکز مهمی برای ادامه و تکامل سبک ادبی دربار سامانی شد. استاد ابوالقاسم حسن عنصری (متوفی به سال ۴۳۱) شاعر بزرگ آغاز قرن پنجم است که دربار محمود و برادرش نصر بن ناصرالدین سبکتکین (م: ۴۱۲) و پسران محمود یعنی محمد و مسعود بوجود او آراسته بود. وی در دقت الفاظ و رقت معانی و حسن ترکیب کلمات و مهارت در تلفیق عبارات و باریک اندیشی و خیال پردازی و چیره دستی در بیان مضامین و مطالب نو در عصر خویش سرآمد استادان سخن و در تمام ادوار ادبی بعد از خود مشهور است. از ابیات معروف اوست:

هم سمر خواهی شدن گر سازی از گردون سریر

هم سخن خواهی شدن گربندی از پروین کمر

جهد کن تا چون سخن گردی قوی باشد سخن

رنج بر تا چون سمر گردی نکو باشد سمر

*

عجب مدار که نامرد مردی آموزد از آن خجسته رسوم و از آن ستوده سیر

به چند گاه دهد بوی عنبر آنجامه که چند روز بماند نهاده با عنبر

دلی که رامش جوید نیابد آن دانش سری که بالش جوید نیابد آن افسر

چو شد بدریا آب روان و کرد قرار تباه و بیمزه و تلخ گردد و بی بر

ز بعد آنکه سفر کرد چون فرود آید به لطف روح فرود آید و به طعم شکر

ز زود خفتن و از دیر خاستن هرگز نه ملک یابد مرد و نه بر ملوک ظفر

شاعر دیگر معاصر عنصری، استاد علی بن جولوغ فرخی سیستانی (م: ۴۲۹) نیز از شهسواران میدان بلاغت شمرده شده است. وی

در تغزلات لطیف و رقت عواطف و سادگی زبان و شیرینی سخن بدرجه‌یی است که او را در میان شاعران قصیده سرا به سعدی

در میان غزلسرایان تشبیه میتوان کرد. از سخنان شیوای اوست:

شرف و قیمت و قدر تو به فضل و هنر است نه بدیدار و به دینار و به سود و به زبان

هر بزرگی که به فضل و به هنر گشت بزرگ نشود خرد به بد گفتن به همان و فلان

گرچه بسیار بماند بنیام اندر تیغ نشود کند و نگردد هنر تیغ نهان

ورچه از چشم نهان گردد ماه اندر میغ نشود تیره و افروخته باشد بمیان

شیر هم شیر بود گر چه به زنجیر بود نبرد بند و قلاده شرف شیر ژیان

باز هم باز بود ورچه که او بسته بود شرف بازی از باز فکندن نتوان

*

دل مردم بنکویی بتوان برد از راه بر نکوکاری هرگز نکند خلق زیان

مردمان را خرد و عقل بدان داد خدای تا بدانند بد از نیک و سرود از قرآن

نیک و بد هر دو توان گردد ولیکن سخنیست نیک دشوار توان کردن و بد سخت آسان

تو همی رنج نهی بر تن تا هر چه کنی همه نیکو بود احسنت و زه‌ای نیکو دان

این هر دو شاعر یعنی عنصری و فرخی در پایان عهد سامانی تربیت شدند و دو سبک تازه کامل که در اصول و کلیات دنباله سبک شعرای پیشین بود بوجود آوردند.

سبک این دو شاعر و یک شاعر جوان با ذوق دیگر که اواخر حیات آن دو استاد را درک کرده بود یعنی ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد منوچهری دامغانی صاحب قصائد و مسمط های مشهور (متوفی به سال ۴۳۲) مدتها بعد از ایشان در شعر فارسی تأثیر داشت تا آنکه در اواخر قرن پنجم و در قرن ششم به سبکهای تازه‌ای مانند سبک سخن مسعود بن سعد بن سلمان (متوفی در حدود سال ۵۱۵) و امیر الشعرا محمد ابن عبدالملک برهانی معروف به امیر معزی (وفات در حدود سال ۵۲۰) و ابوالمجد مجدود بن آدم سنائی غزنوی صاحب دیوان قصائد و غزلیات و منظومه‌های حذیقه الحقیقه و طرق التحقیق و سیرالعباد و غیره (متوفی به سال ۵۴۵) و عبدالواسع جبلی غرjestانی (م ۵۵۵) و ابوالفرج رونی شاعر قصیده سرای معاصر سلطان ابراهیم غزنوی و علی الخصوص اوحالدین علی (یا: محمد) بن اسحق انوری ابیوردی (متوفی به سال ۵۸۳) منتهی گردید.

در این میان شاعران دیگری که معمولاً متمسک به سبک شعر دوره سامانی و اوایل عهد غزنوی بوده‌اند در تمام قرن پنجم تا اواسط

قرن ششم به شاعری اشتغال داشته‌اند و از آنجمله‌اند:

فخرالدین اسعد گرگانی از معاصران طغرل بیک سلجوقی که داستان «ویس و رامین» را در حدود سال ۴۴۶ هجری از زبان پهلوی به نظم فارسی درآورد.

زین الدین ابوبکر بن اسمعیل ازرقی هروی (متوفی در حدود سال ۴۶۵) از معاصران و مداحان طغانشاه بن الب ارسلان و از پیروان سبک عنصری.

ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی (متوفی به سال ۴۶۵) صاحب منظومه حماسی مشهور گرشاسب نامه و کتاب لغت فرس و مناظرات معروف.

عطاء بن یعقوب ناکوک (متوفی به سال ۴۷۱) قصیده سرای بزرگ و صاحب منظومه حماسی برزنامه.

ابومنصور قطران تبریزی (وفات بعد از سال ۴۸۱) از قدیمترین شاعران آذربایجان که به لهجه دری سخن سروده و در سبک سخن خود از شاعران عهد سامانی پیروی کرده و آن روش را با صنایع لفظی درآمیخته و در این سبک شهرت یافته است.

حکیم ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی، حجت زمین خراسانی، (متوفی به سال ۴۸۱) صاحب دیوان قصائد و مثنویهای سعادت نامه و روشنائی نامه و کتابهای مشهور جامع الحکمتین و زاد المسافرین و خوان اخوان و وجه دین و سفرنامه. وی در شعر توجه تام به سبک دوره سامانی داشته و از تمام شعرای قرن پنجم به سبک عهد سامانی بیشتر توجه کرده است. حکیم ابوالفتح عمر بن ابراهیم معروف به خیام نیشابوری ریاضی دان و فیلسوف و طبیب مشهور ایران در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم که چند سالی پیش از سال ۵۳۰ هجری درگذشت و مدفن او در نیشابور است. اهمیت خیام بیشتر در آنست که توانست افکار فلسفی عمیق خود را در قالب رباعیات فصیح در آورد و در عین رعایت معنی جانب الفاظ را چنان نگاه دارد که ابیات او نمونه بارزی از فصاحت و روانی و علو معانی باشد. از رباعیات مشهور اوست:

خوش باش که غصه بیکران خواهد بود بر چرخ قران اختران خواهد بود

خشتی که ز قالب تو خواهند زدن ایوان سرای دیگران خواهد بود

این قافله عمر عجب می‌گذرد در یاب شبی که از طرب می‌گذرد

ساقی غم فردای حریفان چه خوری پیش آر پیاله را که شب می‌گذرد

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من وین حرف معما نه تو خوانی و نه من

هست از پس پرده گفت و گوی من و تو چون پرده برافتد نه تومانی و نه من

امیرالشعراء شهاب الدین عمق بخارایی (متوفی به سال ۵۴۳) قصیده سرای معروف.

عثمان بن محمد مختاری غزنوی (متوفی به سال ۵۴۴) صاحب قصائد مشهور و منظومه حماسی شهریارنامه.

ادیب شهاب الدین ابن اسماعیل صابر ترمذی قصیده سرای شیرین سخن (متوفی به سال ۵۴۶).

شمس الدین محمد بن علی سوزنی سمرقندی قصیده سرای شوخ طبع استاد (متوفی به سال ۵۶۳).

رشیدالدین محمد بن عبدالجلیل وطواط صاحب دیوان قصائد و رسائل و کتاب حدائق السحر (متوفی به سال ۵۷۳).

اینان که برشمردیم همه دنباله سبک شعرای عهد سامانی و آغاز عهد غزنوی را گرفتند و تنها تفاوت آثار آنان با متقدمین از باب تحولی بود که به تدریج در زبان فارسی حاصل می‌شد و ما به اختصار در آن باب بحث کرده‌ایم.

بنابر این تغییر روش شعر فارسی در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم به وسیله یک دسته از شاعران صاحب سبک صورت

گرفت که خاتم آنان انوری بوده است. اهمیت انوری در آنست که با حفظ شیوه استادان کهن لهجه دوره سامانی و آغاز دوره

غزنوی را رها کرد و به لهجه عمومی عصر خود که بر اثر آمیزش بسیار با زبان عربی نسبت به قرن چهارم و قرن پنجم تغییری فاحش یافته بود، سخن گفت. علاوه بر این انوری بیش از هر شاعر مقدم بر خود اصطلاحات علمی و فنی را عیناً در شعر بکار برد و از اطلاعات وسیع خود در علوم ریاضی و فلسفی برای بیان مضامین شعری استفاده کرد و بدین طریق سبکی نو در شعر فارسی به میان آورد. انوری علاوه بر قصیده در ساختن غزلهای لطیف و قطعات پر معنی و کوتاه نیز مهارت و شهرت دارد. ازوست:

در حدود ری یکی دیوانه بود روز و شب کردی به کوه و دشت گشت
در تموز و دی به سالی یک دوبار آمدی بر طرف شهر از سوی دشت
گفتی ای آنان کتان آماده است وقت قرب و بعد این زرینه طشت
قاقم و سنجاب در سرما سه چار توزی و کتان بگرما هفت و هشت
گر شما را با نوایی بد چه شد و ما را بود بی برگی چه گشت
راحت هستی و رنج نیستی بر شما بگذشت و بر ما هم گذشت

خواهی که بهین دو جهان کار تو باشد زین هر دو یکی کار کن از هر چه دگر بس
یا فایده ده از آنچه بدانی دگری را یا فایده گیر آنچه ندانی زد گر کس

از اواسط قرن ششم به بعد و علی الخصوص در پایان این قرن تغییری عظیم در سبک شعر فارسی پدید آمد. علت عمده این امر همچنانکه پیش از این گفتیم انتقال شعر فارسی است از مشرق ایران به شعرای عراق و آذربایجان و فارس که طبعاً لهجه‌ای غیر از لهجه ایرانیان مشرق و در بیان معانی روشی تازه دارند. سبب دیگر تغییراتیست که از جهت اسالیب فکری و عقاید و افکار به میان آمده بود. از پیشروان بزرگ این تغییر سبک که هر یک سبکی خاص در شعر دارند، بعد از انوری شاعران ذیل را باید نام برد:

اثیرالدین اخسیکتی که در اواخر قرن ششم می‌زیسته و از اکابر بلغای عهد خود بوده و با خاقانی معارضه داشته است.

خاقانی(افضل الدین بدیل بن علی شروانی) (متوفی به سال ۵۹۵) صاحب قصائد و ترجیعات و مقطعات و غزلهای مشهور و مثنوی تحفه‌العراقین که در ترکیبات بدیع و تخیلات و تشبیهات و اوصاف نو از میان تمام شاعران نیمه دوم قرن ششم امتیاز خاصی دارد و سبک او مدتها بعد از وی در قصیده سرایان ایرانی مؤثر بوده است. از اشعار اوست:

اگر کیمیای وفا جست خواهی جز از دست هر خاکپایی نیابی
دم خاکپایی ترا مس کند زر پس از خاک به کیمیایی نیابی
نفس عنبرین دارو آه آتشین زن کزین خوشتر آب و هوایی نیابی
به آب خرد سنگ فطرت بگردان کزین تیزتر آسیایی نیابی
درین هفت ده زیر و نه شهر بالا و رای خرد ده کیایی نیابی
برون ران از این شهر و ده رخس همت که اینجاش آب و چرایی نیابی
بهمت و رای خرد شو که دل را جز این سدره‌المنتهایی نیابی
بدل به رجوع تو کآن یر دین را به جز استقامت عصایی نیابی
به صورت دو حرف کژ آمد دل اما ز دل راستگوتر گوایی نیابی
نه نون و القلم هم کژست اول آنگه به جز راستش مقتدایی نیابی
ز دل شاهدی ساز کو را چو کعبه همه روی بینی قفایی نیابی
چو دل کعبه کردی سر هر دو زانو کم از مروه‌بی یا صفایی نیابی

ابو محمد الیاس بن یوسف معروف به نظامی گنجوی یکی دیگر از شاعران صاحب سبک اواخر قرن ششم است (متوفی به سال ۵۹۹ یا ۶۰۲) که بیش از هر شاعر معاصر خود در ادبیات فارسی دارای نفوذ و اثر آشکار می‌باشد. اثر مشهور او غیر از قصاید و غزلیات که اکنون کمی از آنها باقی مانده پنج مثنوی: مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر یا بهرام‌نامه، اسکندرنامه است. اگر چه داستانسرایی پیش از نظامی در شعر فارسی معمول بوده است لیکن نظامی در این فن چنان مهارت بکار برده و به نحوی از عهده صحنه‌سازیها و تنسيق مطالب داستانهای ریزه‌کاری و بیان تشبیهات و استعارات و مضامین متنوع تازه کرده که قلم نسیان بر آثار پیشینیان کشیده و بعد از او تا چند قرن روش وی در داستانسرایی مورد تقلید بوده است.

شاعران دیگری هم در اواخر قرن ششم می‌زیسته‌اند که هر یک در تکمیل سبک تازه شعر فارسی تأثیری داشتند مانند فلکی شروانی (متوفی به سال ۵۸۷) و مجیرالدین بیلقانی (متوفی به سال ۵۷۷) شاگرد خاقانی که روش استاد خود را با قدرت و مهارتی خاص تقلید و تعقیب کرده و جمال الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی (متوفی به سال ۵۸۸) و ظهیرالدین طاهر بن محمد فاریابی

(متوفی به سال ۵۹۸) که هر دو در کامل ساختن سبک قصیده سرایان اواخر قرن ششم و تکمیل و تلطیف غزل سهم بسیار دارند.

غیر از قطران و خاقانی و مجیرالدین و نظامی و فلکی شعرای دیگری نیز در همین اوان در آذربایجان می‌زیسته‌اند که همگی از مشاهیر سخنوران پارسی زبان شمرده می‌شوند و از آنجمله‌اند: قوامی مطرزی گنجوی، قوامی گنجوی، ابوالعلاء گنجوی، عزالدین شیروانی، سید ذوالفقار شیروانی، با وجود این شاعران آذربایجان یکی از مراکز مهم شعر پارسی در قرن پنجم و ششم شده و در ردیف خراسان و عراق قرار گرفته بود.

پاره‌ای از اختصاصات شعر فارسی در قرن پنجم و ششم

از مسائلی که بطور کلی باید در شعر قرن پنجم و ششم و علی‌الخصوص از نیمه دوم قرن پنجم به بعد ذکر کرد یکی وجود تأثیرات محلی است در اشعار که نتیجه تجاوز لهجه دری از محیط مکالمه خود است. دیگر ورود هر شاعر است در مباحث مختلفی مانند مسائل فلسفی و صوفیانه و زهد و اندرز و وصف و غزل و مدح و هجو و نظایر آنها. دیگر تأثیر اطلاعات مختلف هر شاعرست در اشعار او که مسلماً نتیجه تعلیمات مدرسه‌یی آنان بوده. خاقانی از معایبی که بر عنصری می‌گیرد اینهاست:

نبوده است چون من که نظم و نثر بزرگ آیت و خرده‌دان عنصری

به نظم چو پروین و نثر چونعش نبود آفتاب جهان عنصری

ادیب و دبیر و مفسر نبود نه سبحان یعرب زبان عنصری

و مدعی است که خود از همه این مزایا برخوردارست و به واقع هم همه این اطلاعات به اضافه اطلاعات نجومی و فلسفی و ریاضی و طبی در اشعار آن شاعر به تمام معنی مؤثر بوده است.

شرایطی که برای قبول یک شاعر در حوزه شعرا وجود داشت سنگین بوده است. نظامی عروضی در این باب شرحی دارد که نقل قسمتی از آنرا بی‌فایده نمی‌بینیم:

«...اما شاعر بدین درجه نرسد الا که در عنفوان شباب و در روزگار جوانی بیست هزار بیت از اشعار متقدمان یاد گیرد و ده هزار

کلمه از آثار متأخران پیش چشم کند و پیوسته دواوین استادان همی خواند و یاد همی گیرد که در آمد و بیرون شد ایشان از

مضایق و دقایق سخن بر چه وجه بوده است تا طرق و انواع شعر در طبع او مرتسم شود و عیب و هنر شعر بر صحیفه خرد او

منقش گردد تا سخنش روی در ترقی دارد و طبعش به جانب علو میل کند. هر کرا طبع در نظم شعر راسخ شد و سخنش هموار

گشت روی به علم شعر آورد و عروض بخواند و گرد تصانیف استاد ابوالحسن السرخی البهرامی گردد چون غایه العروضین و کنز القافیه، و نقد معانی و نقد الفاظ و سرقات و تراجم و انواع این علوم بخواند بر استادی که آن داند تا نام استادی را سزاوار شود و اسم او در صحیفه روزگار پدید آید چنانکه اسامی دیگر استادان که نامهای ایشان یاد کردیم.»

اینها مطالبی از ادبیات بود که شاعر می‌بایست فرا گیرد و یا مطالعه کند. علاوه بر این شرط عمده‌یی نیز برای شاعر در قرن ششم قائل بودند و آن چنان بود که باید «در انواع علوم متنوع باشد و در اطراف رسوم مستطرف زیرا که چنانکه شعر در هر علمی بکار همی‌شود هر علمی در شعر بکار همی‌شود...» و به همین سبب است که از اواسط قرن پنجم به بعد برای فهم اشعار غالب شعرا یک دوره اطلاع از علوم متداول آن عهد لازم است و بی‌استعانت از آن علوم فهم اشعار دشوار و گاه غیر ممکن می‌شود.

تنوع در انواع شعر در قرن پنجم و ششم از قرن چهارم اندکی بیشتر بوده است. مثنوی و قصیده و غزل و رباعی و ترکیب بند و ترجیع بند در آثار شعرای این عهد به وفور دیده می‌شود و غالب شعرا سعی داشتند در همه این انواع طبع آزمایی کنند مثلاً خاقانی همه نوع شعر را از مثنوی تا ترجیعات ساخته است.

مطالب و مضامین این اشعار به تفاوت عبارتست از مدح و هجو و وعظ و زهد و حکمت و غزل و تصوف و مسائل علمی و داستانی و تبلیغات دینی و فلسفی به سایر مسائل کمتر توجه داشتند و برخی دیگر مانند خیام تنها تحت تأثیر القات و الهامات فلسفی واقع می‌شدند و برخی دیگر بدو یا چند موضوع و مطلب متوجه بودند و این تنوع در مطالب بر روی هم باعث شده است که اشعار فارسی قرن پنجم و ششم مانند گنجینه پر بهایی به جواهر گوناگون مزین باشد و هر گوشه آن بیننده را به نوعی جلب کند.

عرفان در شعر فارسی

از موضوعاتی که مخصوصاً در قرن ششم در شعر فارسی به شدت رخنه کرد تصوف و عرفان است. توجه به افکار عرفانی در شعر البته از قرن ششم زودتر صورت گرفته لیکن اثر بیّن و آشکار آنرا از آغاز این قرن در اشعار فارسی می‌بینیم. نخستین کسی که به ایجاد منظومه‌های بزرگ عرفانی توجه کرده سنائی است. منظومه‌های حدیقه الحقیقه و طریق التحقیق دو اثر معروف او در تصوف و عرفانست و علاوه بر این بسیاری از قصائد او در دوره دوم شاعری یعنی دوره‌یی که دست از لہو و طرب شسته و به بیان حقایق عرفانی توجه کرده بود، به موضوع اخیر اختصاص داده شده است.

شاعر بزرگی که بعد از سنائی در قرن ششم و آغاز قرن هفتم همه آثار خود را به بیان مسائل عرفانی تخصیص داده فریدالدین محمد عطار(متوفی به سال ۶۲۷) است که علاوه بر دیوان قصائد و غزلها منظومه‌های مهمی مانند منطق الطیر و اسرارنامه و مصیبت نامه و الهی نامه و غیره ازو به یادگار مانده است. با ظهور عطار در قرن ششم شعر عرفانی به نهایت کمال رسید و در حقیقت ظهور او و سنائی مقدمه ظهور مولوی و وجود یافتن مثنوی او یعنی بزرگترین شاهکار آثار عرفانی فارسی بوده است. ورود مسائل عرفانی در شعر باعث شد که اولاً تنوعی خاص در شعر فارسی به وجود آید و چاشنی تازه‌ای به آن داده شود و ثانیاً اختصاص شاعران را بدربار تا درجه‌یی از میان ببرد و شعرایی پدید آورد که خارج از دربارهای سلاطین به ایجاد شاهکارهای ادبی خود قیام کنند.